



«رفتار فرهنگی» در کتاب‌های آموزش زبان فارسی اجرای یک روش ارزیابی

زهرا ابوالحسنی چیمه^۱

دانشیار گروه زبان‌شناسی پژوهشکده سمت، ایران

این مقاله به معرفی و اجرای یکی از رویکردهای ارزیابی فرهنگی و کتاب آموزش زبان و به‌طور ویژه آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان می‌پردازد. در این روش فرهنگ در سه شق تولیدات، رفتار و چشم‌انداز تبیین می‌شود که همگی ضرورت اجتناب‌ناپذیر و لازمه معیارسازی فرهنگی کتاب آموزش زبان هستند. این پژوهش ضمن معرفی فرهنگ در این سه مقوله، به طور خاص به بررسی مقوله رفتار در دو کتاب آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان پرداخت. در این پژوهش به روش تحلیل محتوا همه متون درسی در این دو کتاب به صورت جمله به جمله و با هدف رصد میزان آموزش فرهنگ در شق رفتار، بررسی شد. پس از تحلیل روشن شد که هیچ یک از کتاب‌های «آموزش مقدماتی زبان فارسی» و «کتاب درس فارسی» بر رفتار فرهنگی و اجتماعی تاکید نکرده‌اند. در واقع هیچ یک از کتاب‌ها الگوهای رفتاری مقبول جامعه، تعامل اجتماعی، رفتارهای فردی، آداب اجتماعی، رفتار سلسله‌مراتبی و هنجارهای اجتماعی را به زبان‌آموز نمی‌آموزند. در نتیجه هیچ کدام از کتاب‌ها در شق دوم ضوابط فرهنگی یعنی رفتار، به درستی به فرهنگ نپرداخته‌اند و زبان‌آموز نخواهد توانست از این کتاب‌ها برای تقویت توانش ارتباط بینا فرهنگی بهره بگیرد. این امر ضرورت ارزشیابی کتاب‌ها در این حوزه را بیش‌تر می‌کند.

واژه‌های کلیدی: آموزش فرهنگ، کتاب آموزش زبان فارسی، رفتار، تولیدات، چشم‌انداز، توانش بینا فرهنگی.

^۱ zabolhassani@hotmail.com

مقدمه

اهمیت آموزش فرهنگ به همراه زبان و ضرورت این همراهی چند دهه است که توجه اصحاب آموزش زبان را به خود معطوف کرده است. حال آن که این توجه در کتاب‌های آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان کم‌تر روشمند و کم‌تر جدی بوده است، به طوری که کم‌تر کتابی در این حوزه می‌توان یافت که موضوعات لازم برای تقویت توانش بینا فرهنگی را به طور علمی در خود جای داده باشد. نتیجه یک چنین کم‌توجهی آموزش محض زبان و یا آموزش کاریکاتوری فرهنگ است، به طوری که کتابی خشک و بی‌روح و خالی از موضوعات لازم فرهنگی در کلاس به کار گرفته می‌شود و یا فقط جنبه‌هایی از فرهنگ آموزش داده می‌شود که تمامی فرهنگ نیست و یا دست کم، کمینه لازم برای آشنایی زبان-آموز با فرهنگ را در خود ندارد. به طور مثال زبان‌آموز فارسی حتی در سطوح پیشرفته نمی‌داند که تعارف در ایران یکی از مؤلفه‌های ادب است و نه یک دروغ.

درواقع زبان‌آموزانی که فقط از طریق متون آموزشی و خارج از بافت بومی زبان فارسی را می‌آموزند، در معرض این ریسک هستند که دانش فرهنگی مقدماتی برای تعامل قابل قبول، درک رفتارهای گویشوران زبان مقصد و پیش‌گیری از شوک فرهنگی را نداشته باشند. کرامش^۱ (۱۹۹۳: ۱۷۷) مانند بسیاری دیگر از اصحاب آموزش زبان معتقد است «آموزش زبان یعنی آموزش فرهنگ» (۱۷۷ص) که «نه در کنار چهار مهارت دیگر بلکه در دل آن‌ها واقع می‌شود، و این امر درست از روز اول آموزش اتفاق می‌افتد» (ص ۱).

معمولاً در دلایل این بیگانگی فرهنگی به طور کلی گفته می‌شود که مدرسان دانش فرهنگی کافی ندارند، برنامه‌های آموزشی فشرده است و دقت کافی در آن اعمال نمی‌شود و در نهایت بعضی از مدرسان فکر می‌کنند آموزش فرهنگ به مهمی آموزش دستور نیست (برد^۲ ۲۰۱۴). اما واقعیت این است که زبان و فرهنگ دوشادوش هم حرکت می‌کنند، زیرا فرهنگ از زبان جدایی‌پذیر نیست (منتل و بروملی^۳، ۱۹۹۲). فرهنگ به عنوان نظامی از نهادها، معانی، و هنجارهاست که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود، و باعث تمایز گروه‌های مردم می‌شود که با مشخصه‌های معینی مانند مبداء، نژاد، قومیت، جنسیت، مذهب، طبقه اجتماعی-اقتصادی یا دیدگاه‌های سیاسی متحد شده‌اند (سویگتون و سیسویر^۴، ۲۰۰۲). می‌توان معنی فرهنگ را گسترده‌تر کرد، اما در واقعیت، فرهنگ فقط «راه کلی زندگی» است. همرلی^۵ (۱۹۸۲).

حال موضوع اصلی و اساسی این است که چگونه باید به دانشجویان زبان فارسی به عنوان زبان خارجی کمک کرد تا رفتار و طرز تفکر مردمی را که به زبان مقصد حرف می‌زنند، بدانند، درک کنند و به آن

¹ Kramsch.

² Bird.

³ Mantle-Bromley.

⁴ Savignon & Sysoyer.

⁵ Hammerl.

احترام بگذارند و عمل کنند. یکی از اصلی‌ترین منابع آموزش این رفتار و طرز تفکر، کتاب‌ها و متون آموزشی است. بررسی این کتاب‌ها و تلاش برای برجسته‌سازی عناصری که برای تقویت توانش بینافرهنگی زبان‌آموزان لازم است می‌تواند به توجه و درج تدریجی مؤلفه‌های استاندارد فرهنگی در کتاب آموزش زبان فارسی بینجامد که یکی از مهم‌ترین منابع دسترسی به فرهنگ زبان مقصد است. در واقع تولیدات فرهنگی تنها جنبه ایستای فرهنگ هستند در حالی که فرهنگ مفهومی پویا، در حال تغییر و نوآورانه است و از این‌رو تعریف فرهنگ به شدت پیچیده و گاه غیرضروری است. استریت^۱ (۱۹۹۳: ۲۵) معتقد است «این‌که بگوییم فرهنگ چیست فایده‌ای ندارد، بهتر است بگوییم فرهنگ چه می‌کند».

در این مقاله با بهره‌گیری از یکی از رویکردهای توجه به آموزش مبانی فرهنگ از طریق زبان در کتاب، به روشی برای نقد و بررسی میزان آموزش فرهنگ در کتاب آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان پرداخته می‌شود و تلاش می‌شود با استفاده از یک روش استاندارد آموزش فرهنگ، دو کتاب آموزش زبان فارسی به طور تطبیقی ارزیابی شوند.

طرح موضوع

فرهنگ و آموزش

حقیقت آن است که بسیاری از مدرسان زبان خارجی علاقه‌ای به آموزش فرهنگ ندارند، زیرا شناخت همه ابعاد را از یک فرهنگ بسیار مشکل است. به همین دلیل معمولاً در کلاس‌های درس بر جنبه‌هایی از فرهنگ تأکید می‌شود که شناخته شده‌ترند. مثلاً آثار باستانی ایران، یکی از مؤلفه‌های فرهنگی در مفهوم «تولیدات» است که دستیابی به آن‌ها و درج آن‌ها در کتاب‌های درسی بسیار آسان است. از سوی دیگر مدرسان به شدت بر کتاب‌های درسی تکیه می‌کنند تا این اطلاعات و اطلاعات دیگر از دیگر ابعاد فرهنگی را از آن‌ها به دست آورند. نتیجه آن که آنچه آموزش داده می‌شود، تنها بخشی از فرهنگ است و نه تمام آن.

تغییرات اجتماعی و فناوری که در سراسر دنیا انجام شده به طور شدیدی ماهیت آموزش زبان خارجی را دگرگون کرده است، یعنی در سال‌های اخیر تأکید بسیار بر توانش ارتباطی بینافرهنگی شده است. در تعریف این اصطلاح، مییر^۲ (۱۹۹۱: ۱۳۷) توضیح می‌دهد که «توانش بینا فرهنگی ... توانایی یک شخص را برای رفتار مناسب و منعطف هنگام مواجهه با کنش‌ها، نگرش‌ها و انتظارات مظاهر فرهنگ خارجی نشان می‌دهد».

ویلیامز^۳ (۱۹۸۳: ۸۷) در سانتو^۴ (۲۰۰۷) تعریف فرهنگ را جزو یکی از پیچیده‌ترین سه واژه زبان می‌داند. در تعریف فرهنگ نظرات گوناگونی مطرح شده است که ذکر همه آن‌ها در اینجا مقدور نیست.

¹ Street.

² Meyer.

³ Williams

⁴ Santo

تنها به تعاریفی اشاره می‌شود که بیش‌تر صاحب‌نظران بر آن توافق دارند. تایلر^۱ (۱۸۷۰) مردم‌شناس انگلیسی فرهنگ را تمامیت پیچیده‌ای می‌داند که شامل دانش، باور، هنر، اخلاقیات، قانون و دیگر توانایی‌ها و عادت‌هایی است که انسان به عنوان عضوی از جامعه اکتساب می‌کند. ماتسوموتو^۲ (۱۹۹۶) معتقد است فرهنگ مجموعه‌ای از نگرش‌ها، ارزش‌ها، باورها و رفتارهایی است که بین گروهی از مردم مشترک، اما برای هر کس متفاوت است و از یک نسل به نسل دیگر منتقل می‌شود. دیگر جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان نیز تعاریف کم و بیش مشابهی را ارائه داده‌اند و بیش از هر چیز بر رفتارها و باورها تأکید کرده‌اند. اما از اصحاب آموزش زبان، آداسکو^۳ (۱۹۹۰: ۳-۴) فرهنگ را با ارائه چهار سطح معنایی تعرف می‌کند: زیبایی شناختی، (به طور مثال سینما، ادبیات، موسیقی و رسانه)، جامعه‌شناختی، (به طور مثال سازمان و خانواده، روابط اجتماعی)، معناشناختی، (به طور مثال نظام فکری و مفهوم‌سازی در خیلی چیزها مثل غذا) و کاربردشناختی، (به طور مثال دانش پیشین و رمزگان زبان و مهارت‌های فرازبانی). کرامش (۱۹۹۶) نیز به تقسیم فرهنگ به حروف بزرگ و کوچک برای جا دادن عناصر فرهنگی موسیقی، هنر و ادبیات (C) و عقاید و رفتارهای اجتماعی (C) پرداخته‌است. اما استاندارد ملی برای پروژه آموزش زبان (۲۰۰۵) فرهنگ را به سه بخش تولیدات، رفتارها و چشم‌اندازها تقسیم کرده‌است که به نظر می‌رسد از همه تقسیم‌بندی‌های پیش گفته و نگفته صریح‌تر و عینی‌تر باشد و بنابراین در این پژوهش از آن استفاده شده و در جای خود به آن خواهیم پرداخت.

نقش کتاب درسی آموزش زبان در تدریس فرهنگ

بیش‌تر اصحاب آموزش زبان خارجی باور دارند که کتاب در میان اصلی‌ترین منابع آموزش زبان خارجی قرار دارد. متون آموزشی با هدف هدایت فرآیند یادگیری (حسن و راداتس^۴، ۲۰۰۸)، تکمیل نقش مدرس، نقشه، منبع آموزش، مقام موثق و ایدئولوژی (کورتازی و جین^۵، ۱۹۹۹) ایجاد شده‌اند. از سوی دیگر، تامیلسون^۶ (۲۰۰۸) اعتقاد دارد کتاب‌های درسی مهارت‌زدایی می‌کنند و تکیه زیاد بر مطالب آموزشی استاندارد ممکن است به شکست بسیاری از زبان‌آموزان منجر شود. با تمرکز صرف بر آیت‌های زبانی، متون کلاس زبان‌آموزان را به صورت شناختی و مؤثر درگیر نمی‌کند، بنابراین وی این متون را ناکارآمد می‌داند، زیرا به دانشجویان کمک نمی‌کند تا در ارتباط و مکالمه معنادار شرکت کنند، چیزی که برای توسعه و رشد توانش ارتباطی بین‌فرهنگی مورد نیاز است. به علاوه، وی تأکید می‌کند که کتاب‌های درسی اغلب برای نیازهای دانشجویان برای آماده شدن برای امتحان است و ارزش‌های

¹ Tayler.

² Matsumoto.

³ Adasko.

⁴ Hassan & Raddatz.

⁵ Cortazzi & Jin.

⁶ Tomilson.

فرهنگی را نمی‌آزماید. آن‌طور که بایرام و فتی^۱ (۲۰۰۵) استدلال می‌کنند، این بافت‌های آموزشی، آموزش برای امتحان را تقویت می‌کنند و بنابراین درج افلام بینا فرهنگی برایشان اولویت ندارد. آن‌چه مسلم است این است که اگر کتاب درسی اساسی‌ترین منبع آموزشی نبود، سالانه بر تعداد آن‌ها افزوده نمی‌شد. کتاب درسی در حوزه آموزش زبان این مزیت را دارد که قدم به قدم پیش می‌رود و روال آموزش به این ترتیب مدیریت می‌شود. کتاب درسی بیش از متون دیگر برای زبان‌آموزی حاوی حقایق است (سلاندر^۲ ۱۹۹۰) و از این رو بیش‌تر، زبان‌آموزان را به واقعیات بافت زبانی متوجه می‌سازد. به عبارت دیگر زبان‌آموز ارزش‌ها و هنجارهای کتاب را که در قالب حقایق عرضه شده‌است، بدیهی فرض می‌کند بدون این‌که راجع به آن‌ها به طور نقادانه تفکری داشته باشد. از این جهت است که انعکاس این مطالب در کتاب اهمیت صد چندان پیدا می‌کند.

برد (۲۰۱۴) گزارش می‌دهد که با برجسته کردن رشد تاریخی کتاب‌ها، بایرام (۱۹۹۱) توجهات را به جدایی زبان از فرهنگ جلب می‌کند. وی توضیح می‌دهد که متون دوره مدل شنیداری - گفتاری همه ابعاد به جز زبان را خارج از بافت قرار داده بودند، اشتباهی که وی غیرقابل قبول می‌داند. به اعتقاد کرامش (۱۹۹۶) «توانش ارتباطی بینا فرهنگی» نوآوری بایرام در دهه ۹۰ است که در نظریه‌پردازی این حوزه و تحقیقات عملی در کتاب‌های آموزش زبان وارد شده‌است. به همین صورت ریزاگر (۱۹۹۱) تغییری در سیاست‌گذاری را روشن می‌کند، به طوری که قبل از ۱۹۵۰، متون آموزش زبان در درجه اول یک نقش زبانی داشتند، اما از دهه ۱۹۷۰ به بعد، عموماً بافت اجتماعی کشورهای مربوط را نیز لحاظ کردند. این امر نشان می‌دهد که کتاب‌های درسی زبان که امروزه منتشر می‌شوند، باید ابزاری برای معرفی فرهنگ‌های مختلف باشند. در راستای ضرورت آموزش فرهنگ در کتاب درسی، جامع‌ترین مقوله‌بندی انواع فرهنگ که باید در کتاب‌های آموزش زبان به آن‌ها توجه کرد از سوی کورتازی و جین (۱۹۹۹:۲۰۴) ارائه شده‌است:

- فرهنگ مبدأ: مطالب مربوط به فرهنگ خود زبان آموز.
- فرهنگ مقصد: مطالب مربوط به فرهنگ کشوری که زبان خارجی مورد نظر به عنوان زبان اول صحبت می‌شود.
- فرهنگ بین‌المللی مقصد: مطالب مربوط به تنوعی از فرهنگ‌ها که زبان مقصد به عنوان زبان بین‌المللی در آن‌ها به کار می‌رود.

علی‌اکبری (۲۰۰۴) یک مقوله دیگر را هم اضافه کرده‌است: کتاب‌های درسی که هیچ علاقه‌ای به آموزش فرهنگ ندارند و فقط بر زبان تأکید دارند! اگر چه در مطالعه مقاله حاضر زبان فارسی شامل مقوله سوم یعنی فرهنگ بین‌المللی نمی‌شود و بیشترین تأکید بر روی فرهنگ مقصد است، اما به نظر می‌رسد تعداد کتاب‌هایی هم که در دسته چهارم علی‌اکبری یعنی کتاب‌های بی‌فرهنگ قرار می‌گیرند، کم نباشد. بایرام (۱۹۹۷) سه هدف اصلی را برای آموزش زبان در نظر می‌گیرد:

¹ Byram & Feny.

² Slander.

الف) رشد توانش ارتباطی برای استفاده در موقعیت‌های مورد نیاز.

ب) رشد آگاهی از زبان مقصد.

پ) رشد آگاهی از فرهنگ خارجی و نگرش مثبت نسبت به مردم خارجی.

بنابراین بایرام (همان، ۵۵) توصیه می‌کند که این اهداف با هم برای انتخاب مناسب کتاب درسی آموزش زبان در نظر گرفته شوند. برای این‌که کتاب درسی به لحاظ فرهنگی مناسب باشد، باید شامل مجموعه متنوعی از متون واقعی باشد. هارمر^۱ (۱۹۹۱: ۱۸۵) متون واقعی را متونی می‌داند «که برای زبانور بومی تهیه شده‌است»، و براردو^۲ (۲۰۰۶: ۶۴) معتقد است «متون واقعی اطلاعات فرهنگی واقعی می‌دهند».

هدف مطالعه

این مطالعه با هدف ارزشیابی محتوای فرهنگی کتاب‌های آموزش زبان فارسی در ارائه محتوای فرهنگی انجام شده است و به نوع حوزه ارزیابی پس از چاپ تعلق دارد. ارزیابی محتوای فرهنگی در کتاب‌های آموزش زبان فارسی فرایندی بسیار پیچیده است و یکی از دلایل آن نبود اتفاق نظر در تعریف فرهنگ از یک سو و انگاره‌های بومی برای ارزیابی از سوی دیگر است. به طوری که می‌توان گفت تنها انگاره ارزیابی که تاکنون برای کتاب آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان پیشنهاد شده‌است، متعلق به ابوالحسنی و نوشی (۱۳۹۵) است، که در آن با الهام از نظریه چندصدایی باختین، روشی دمکراتیک برای درج همه صدهای فرهنگی در کتاب درسی آموزش زبان فارسی طراحی شده‌است. اما در حل مشکل اول باید گفت، اگورو^۳ (۲۰۰۸: ۳۱) معتقد است علیرغم تفاوت‌های زیاد در تعریف فرهنگ می‌توان به سه دسته-بندی نسبی برای امر آموزش زبان خارجی رسید:

۱) انگاره هم‌رلی^۴ که در آن فرهنگ به سه مقوله دستاوردها، اطلاعات و رفتار تقسیم می‌شود.

۲) مفاهیم دوگانه C بزرگ، فرهنگ دستاوردی، و C کوچک، فرهنگ رفتاری.

۳) تقسیم‌بندی سه‌گانه فرهنگ به چشم‌اندازها، تولیدات و رفتارها که از سوی استاندارد آموزش زبان خارجی پیشنهاد شده‌است.

در این مقاله هدف اصلی این است که دریابیم به طور کلی چگونه این کتاب‌ها فرهنگ را در رابطه با چارچوب مفاهیم سه‌گانه فرهنگی (۳P) ترسیم می‌کنند و سؤال اصلی این مقاله این است: تا چه میزان دو کتاب آموزش زبان فارسی مورد بررسی در این پژوهش فرصت آموزش «رفتار فرهنگی» از تقسیمات سه‌گانه فرهنگ در استاندارد آموزش زبان فارسی را به غیرفارسی‌زبانان می‌دهند؟

در واقع در این پژوهش روش نقد و بررسی و یا به عبارتی ارزیابی چگونگی آموزش فرهنگ در کتاب‌های آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان به دست داده می‌شود. برای این کار ضمن معرفی

¹ Harmer.

² Berardo.

³ Oguro.

⁴ Hammerlian model.

رویکرد استاندارد سه‌گانه فرهنگ، دو کتاب «آموزش مقدماتی زبان فارسی» و «درس فارسی برای فارسی‌آموزان خارجی» مورد بررسی فرهنگی، در یکی از سه شق استاندارد فرهنگی قرار می‌گیرد. فرضیه این تحقیق آن است که «این دو کتاب در مجموع در آموزش فرهنگ رفتاری موفق نبوده‌اند، اما کتاب هاجری تا حدی نسبت به کتاب پورنامداریان بهتر عمل کرده‌است».

چارچوب نظری

سه‌گانه فرهنگ

استانداردهای آمادگی جهانی برای یادگیری زبان^۱، فرهنگ را به عنوان یکی از ساحت‌های تمرکز که باید در کلاس درس هدف قرار گیرد مشخص کرده‌است (برد ۲۰۱۴). این استانداردها نشان می‌دهند که معیارهای آموزش فرهنگ چه هستند و چگونه با یکدیگر مرتبط شده‌اند. این استانداردها نشان می‌دهند که همه این معیارها به یک اندازه اهمیت دارند و به یک میزان از توجه نیاز دارند. در این استاندارد معیارهای فرهنگی به سه بخش تقسیم می‌شود، «تولیدات آ»، «رفتارها آ» و «چشم‌اندازها آ». همان‌طور که ملاحظه می‌شود همه فرهنگ در سه مفهوم بنیادین خلاصه می‌شود که هر سه در انگلیسی با حرف P شروع می‌شوند. بنابراین این رویکرد در تعریف فرهنگ به P۳ معروف است. «تولیدات» به مصنوعات فرهنگ هدف مثل کتاب، غذا، موسیقی، اقلام خانگی و غیره اطلاق می‌شود. «رفتارها» به الگوهای رفتاری مثل ژست‌ها، احوال‌پرسی، اجازه خواستن، مراسم تعطیلات و تفریح گفته می‌شود. «چشم‌اندازها» شامل عقاید، باورها، نگرش‌ها و ارزش‌هاست (بیتمن^۲، ۲۰۰۶). لانگه^۳ (۱۹۹۹: ۶۰). معتقد است تعریف فرهنگ در قالب سه شقی از تضاد بین فرهنگ رویین و زیرین جلوگیری می‌کند و با در هم تنیدن جنبه‌های رسمی و غیررسمی جنبه‌های زندگی روزانه فرهنگ را همان‌طور نشان می‌دهد که مردم به طور معمولی زندگی می‌کنند. گفته می‌شود از این سه مفهوم فرهنگی، «چشم‌انداز» عنصر کلیدی در کمک به دانشجویان برای رشد حس تقدیر از دیگر فرهنگ‌هاست (یانگ^۴، ۱۹۹۹)، که خود مبتنی بر دو شق دیگر یعنی تولیدات و رفتارهاست.

برد (۲۰۱۴: ۳) معتقد است همه کتاب‌ها موضوعات فرهنگی را به صورت رویکرد موضوع محور^۵ آموزش می‌دهند. یعنی در مکالمه‌ها اسم همدیگر را می‌پرسند، احوال‌پرسی را نشان می‌دهند و ... اما هیچ وقت در این کتاب‌ها معلوم نمی‌شود چقدر از این سه مفهوم P۳ آموزش داده شده‌است. در این شرایط و در نبود کتابی که مواد فرهنگی را به درستی عرضه کند، نه تنها مواد آموزش زبانی خارج از

¹The World Readiness Standards to Learning Language.

² Products.

³ Practices.

⁴ Perspectives.

⁵ Bateman.

⁶ Lange.

⁷ Young.

⁸Topic-based.

بافت و بدون زمینه فرهنگی عرضه می‌شود بلکه تمام مسئولیت‌ها برعهده مدرس گذاشته می‌شود تا مطالب فرهنگی را در هر درسی و به هر صورتی که مایلند وارد کنند. در این حالت اگر مدرس به فرهنگ آن درس آشنا باشد می‌تواند اطلاعاتی بدهد، در غیر این صورت آموزش مبانی فرهنگی مغفول می‌ماند. حتی گاه درج برخی مطالب فرهنگی اثر برعکس می‌دهد. یعنی زبان‌آموزان فرهنگ مقصد را خیلی عجیب و غریب می‌بینند. در واقع زبان‌آموزان شاید زبان را یاد بگیرند، اما نخواهند دانست چطور در میان آن فرهنگ زندگی کنند.

در توضیح این رویکرد به توصیف و مقوله‌بندی فرهنگ، پیچ و بناندر (۲۰۱۶) در تعریف سه‌گانه فرهنگی می‌گویند: ربط دادن «رفتار» به «چشم انداز» از یک سو و ربط دادن «تولیدات» به «چشم انداز» از طریق زبان برای تحقیق، توضیح، و واکنش به رابطه بین این دو در مطالعات فرهنگی، اصلی‌ترین هدف این رویکرد است. در اینجا با ارجاع به برد (۲۰۱۴) و نیز نکته‌های تکمیلی، مصادیقی از هر یک از این شقوق سه‌گانه فرهنگی به دست داده می‌شود:

تولیدات فرهنگی

- جنبه‌های عینی زندگی روزمره
- ابزار، غذا، حقوق، بازی و ...
- ملموس و غیرملموس
- نقاشی، آثار باستانی، آثار ادبی، آثار باستانی، داستان شفاهی، مراسم مقدس، سیستم آموزشی.
- اختراع و نوآوری
- غذا، وسیله نقلیه، فرآیندها و ...
- ارائه‌های زیباشناسانه
- موسیقی، ادبیات، هنر

رفتارهای فرهنگی

- الگوهای رفتاری مقبول جامعه
- تعامل اجتماعی در یک بافت فرهنگی خاص
- رفتارهای فردی، گروه‌های کوچک و اجتماعی
- چه چیز را، کجا و کی انجام دهیم
- چگونه تعامل کنیم
- نوبت‌گیری، عروسی، قرار، مراسم تدفین...
- مراسم و آداب اجتماعی
- استفاده از شکل‌های گفتمانی، خطاب رسمی/غیررسمی، استفاده از زبان رسمی و غیررسمی
- سلسله مراتب اجتماعی
- زمان غذا، رفتار سرمیز

• استفاده از فاصله (فضای) شخصی

هنجارهای احترام، چه وقت کسی را بغل کنیم یا دست بدهیم

چشم‌انداز فرهنگی

• عقاید، نگرش‌ها و ارزش‌های سنتی

• باورها و ارزش‌های زیربنایی که یک محصول یا رفتار را توجیه می‌کند.

• افراد از دیدگاه خاص خودشان چه فکری می‌کنند یا انجام می‌دهند.

• نظام دیدگاه و باور جهانی

رفتارها، الگوهای تعامل اجتماعی رفتاری هستند. رفتارها شامل استفاده از تولیداتند. دانش چه، کجا، کی انجام دادن (استاندارد^۱، ۲۰۰۵). تولیدات خلق ملموس و ناملموس یک فرهنگ خاص است، و همه اینها چشم‌انداز یک فرهنگ را نشان می‌دهند. یک تولید یا محصول فرهنگی به هر چه شکل که باشد، حضورش در فرهنگ فقط با باورها و ارزش‌های زیربنایی توجیه یا ضروری می‌شود. آن فرهنگ و رفتارهای فرهنگی شامل کاربرد آن محصول است. در برخی فرهنگ‌های آسیایی، اعضا بر روی یک مقیاس سلسله مراتبی مبتنی بر سن، وضعیت اجتماعی، تحصیلات یا متغیرهای مشابه قرار می‌گیرند (همان). پس این سلسله مراتب باید در کتاب آموزش زبان مورد نظر قرار گیرد. مثلاً در آمریکا به طور سنتی به جوانان بیش‌تر ارزش داده می‌شود (چشم‌انداز). در نتیجه محصولات که به جوان مانند کمک می‌کنند، بخش جدایی‌ناپذیر فرهنگ شده‌است (مثل کرم، صبحانه فیبری، غلات، ابزار ورزشی). ابزار ورزشی محصول (تولیدات)، و تمرینات ورزشی در مدارس رفتار اجتماعی است. این رابطه بین چشم‌انداز، رفتار و تولیدات فرهنگی در هر فرهنگی به شیوه خاص آن فرهنگ تعریف شده‌است و بنابراین درک این رابطه و نیز درک هر شق فرهنگ به تنهایی برای تقویت توانش بینا فرهنگی زبان‌آموز بسیار ضروری است.

پیشینه مطالعات

تعدادی پژوهش متأخر محتوای فرهنگی کتاب‌های زبان خارجی را به طور عام مورد بررسی قرار داده‌اند، اما در اینجا فقط به مواردی اشاره می‌شود، که با چارچوبی مشابه این مطالعه کار کرده‌اند. ماتوس و بیتمن^۲ (۲۰۰۶) محتوای ۶ کتاب پرتغالی را بررسی کردند. نتیجه نامید کننده بود اگرچه تعجب‌آور نبود. آن‌ها بر روی غذای برزیلی، عادت غذا خوردن، خرید برای غذا، و بیرون غذا خوردن متمرکز شدند. آن‌ها هر کتاب را برای هر سه شق فرهنگ ۳ p، درباره این موضوع، بررسی کردند و برای این کار مقایسه بین فرهنگی، استفاده از متون واقعی، مناطق جغرافیایی، و تصویر وجود ناهمگنی بین فرهنگ‌ها، را در برنامه بررسی خود قرار دادند. فهرست و واژگان در کتاب‌ها موجود بود، اما نمی‌گفت

¹ Standards of...

² Mattos & Bateman.

چرا اینها و چه موقع، خورده می‌شود و چه کسی آن‌ها را می‌خورد. در واقع هیچ‌کدام از این کتاب‌ها چشم‌انداز فرهنگی را به وضوح نشان نمی‌داد.

مطالعه یانگ (۱۹۹۹) نشان می‌دهد معلمان با دانش کم فرهنگی بر کتاب‌های درسی به عنوان منبع اصلی آموزش فرهنگ تکیه می‌کنند. وی اشاره می‌کند که فرهنگ احتمالاً دلپذیرترین، جالب‌ترین و بی‌استرس‌ترین تجربه کلاسی برای زبان‌آموزان است، با این حال کتاب‌های درسی با فرهنگ به عنوان یک موضوع حاشیه‌ای در آموزش زبان برخورد می‌کنند. در مطالعه او کتاب‌های درسی چشم‌اندازهای فلسفی از جمله، معنی، نگرش، ارزش و عقاید یک فرهنگ را نادیده گرفته بودند. این مطالعه نشان می‌دهد هیچ معلمی دانش کافی از همه آنچه فرهنگ است، ندارد. بنابراین کتاب‌ها باید ورود به این زمینه را به‌طور عمیق‌تری فراهم کنند.

تیلور و بیتمن (۲۰۱۱) بر سه شق فرهنگ ۳P تأکید کرده‌اند. آن‌ها فهرستی از مقوله‌ها و نیز فهرستی مفصل از آن‌چه ذیل هر مقوله محتوای فرهنگی قرار دارد، به دست می‌دهد که باید آموزش داده شوند و در این بین لیست زیر دیده می‌شود.

- چگونه کنش و واکنش داشته باشیم.
- حقایق مهم از محیط فیزیکی، کجا، چه و چگونه زندگی می‌کنیم.
- ارزش‌ها و نگرش‌ها، چه دوست داریم و به چه اهمیت می‌دهیم.
- الگوهای رفتاری، شبیه چه هستیم و چگونه با دیگران مرتبط و ممزوج می‌شویم.
- تاریخ، تمدن و هنرهای زیبا، میراث تاریخی مردم و مکان آنها در رابطه با دنیا به طول کل چگونه است.
- عملیات و نقش نهادهای رسمی، چیست و سازمان‌ها چگونه بر زندگی مردم اثر می‌گذارند به شرایط سیاسی و اقتصادی فعلی، و کیفیت زندگی چگونه است؟
- آن‌ها معتقدند (همان) اگر ما فرهنگ را در مرکز آموزش زبان قرار دهیم، قادر خواهیم بود به دانشجویان کمک کنیم نه تنها زبان بیاموزند بلکه چگونه به درستی با مردم زبان مقصد آمیزش داشته باشند. ماتوس و بیتمن (۲۰۰۶) پیشنهاد می‌کنند که کتاب‌های درسی باید تنوعی از چشم‌اندازها را لحاظ کنند. مثلاً:
- رفتارهای فرهنگی را از مناطق مختلف یک کشور وارد کتاب کنند.
- توصیفات مکان‌ها، چه هستند، چرا مردم به آنجا می‌روند، کی می‌روند، و آن مکان چه به آن‌ها می‌دهد.
- مصاحبه با مردم سنین مختلف و نه فقط همسن دانشجویانی که آن کتاب را می‌خوانند.
- رفتار و چشم‌انداز از طبقات اجتماعی مختلف چیست.
- چه محصولاتی در چه زمان، فصل یا تعطیلات استفاده می‌شود.
- یعنی اطلاعاتی که دانشجویان را به فرهنگ هدف وصل می‌کند.

رشدی الشاوا^۱ (۲۰۱۱) با روش استاندارد سه‌گانه فرهنگ کتاب‌های انگلیسی سال‌ای یازده و دوازده مدارس فلسطین را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌است که اگرچه در دو شق دیگر نابرابری‌هایی به چشم می‌خورد، اما در حوزه «رفتار» فرهنگ فلسطین و فرهنگ زبان مقصد به یک اندازه مورد توجه قرار گرفته‌اند. چلیک و اربی^۲ (۲۰۱۳) دوره‌ای از کتاب‌های انگلیسی رایج در ترکیه را در چارچوب چهارگانه فرهنگی (سه مورد اصلی به علاوه «افراد») بررسی کردند و دریافتند که اگرچه تأکید بر فرهنگ اروپاست، اما همه مؤلفه‌های فرهنگی بومی نیز به خوبی در کتاب‌های آموزشی وارد شده‌است.

روش تحقیق

در این پژوهش از روش تحلیل محتوای توصیفی استفاده شد. بنابر ناندورف^۳ (۲۰۰۲)، تحلیل محتوا تکنیک تحقیقی است که برای بررسی محتوا به صورت عینی و کمی انجام می‌شود. همان‌طور که کریپندورف^۴ (۲۰۰۴) می‌گوید، این رویکرد برای استنباط‌های معتبر از متون نوشتاری مناسب است که برای خواندن، تفسیر و درک نوشته شده‌اند. جامعه آماری کتاب‌های آموزش زبان فارسی برای فارسی‌زبانان بود که برای سطح مبتدی نوشته شده است. از بین این کتاب‌ها دو کتاب با قدمت‌های متفاوت یعنی جدید و قدیمی انتخاب شد. این دو کتاب «آموزش مقدماتی زبان فارسی»^۵ که کتابی تقریباً جدید است و «درس فارسی»^۶ که کتابی به نسبت قدیمی‌تر است، انتخاب شدند. به لحاظ سبک و محتوا دو کتاب مشابه بوده و روش آموزشی تقریباً یکسانی را لحاظ کرده‌اند. شیوه تحلیل محتوا در این دو کتاب مورد استفاده قرار گرفت به شکلی که تمامی متون درسی و تمرینی بررسی شد و تلاش شد از بین این پیکره، اقلام زبانی و فرهنگی موجود در متون درسی که به نوعی به آموزش رفتار فارسی‌زبانان ایرانی می‌پردازد، برجسته شود. با روش کمی این اقلام شمارش شد. سپس نسبت این اقلام به کل متون درسی سنجیده شد. اطلاعات در جدول‌هایی مرتب شد. از آن‌جا که اعتقاد داریم، هیچ محتوای زبانی خالی از آموزش فرهنگی نیست ستونی نیز به آموزش فرهنگ به طور عام اختصاص یافت. وجود یا عدم وجود آموزش فرهنگ رفتاری با مؤلفه دو ارزشی مثبت یا منفی به دست آمد. در نهایت درصد وجود آموزش فرهنگ رفتاری در هر یک از کتاب‌ها به دست آمد و با یکدیگر مقایسه شد.

تحلیل داده‌ها

در تحلیل داده‌ها همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، فقط به یکی از شقوق سه‌گانه فرهنگ می‌پردازیم و در واقع دو کتاب را تنها از جنبه «رفتار» و مؤلفه‌های آن مورد بررسی قرار می‌دهیم.

^۱ Roshdi Al Shawa.

^۲ Celik & Erby.

^۳ Neundorf.

^۴ Krippendorff.

^۵ نوشته حسین هاجری، ۱۳۹۱، سمت.

^۶ نوشته تقی پورنامداریان، ۱۳۷۳، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

جدول شماره ۱: بررسی فرهنگ در کتاب آموزش مقدماتی زبان فارسی

عنوان درس	محتوا	جنبه فرهنگی آموزش	رفتار فرهنگی
(۱) حروف فارسی	آموزش حروف	-	-
(۲) اسم من	سلام و معرفی	سلام- معرفی فردی	+
(۳) والدین و فرزندان	معرفی افراد- اعضاء خانواده- شغل	اسم نسبت‌های خانواده اصلی	-
(۴) اهل کجا هستی	معرفی- ملیت- شغل- احوالپرسی	ملیت- احوالپرسی	+
(۵) خانه شما کجاست	معرفی خانواده- شغل- مکان- آدرس	آدرس	-
(۶) ساعت چند است	دوست داشتن/ نداشتن- معرفی- شغل	تلقیات فردی	-
(۷) چه داری	معرفی- ملیت- شغل- کتابخانه- منزل-	تعامل در کتابخانه- پرکردن فرم	+
(۸) امروز و دیروز	معرفی- شغل- عادات- تولد- مفاخر فرهنگی- ماه‌های سال- بازدید از موزه فرش	مفاخر- موزه رفتن	-
(۹) ما می‌توانیم	توانایی‌های فردی- ورزش- چند گفت- و گو درباره عذرخواهی- کمک- درخواست- تشکر	تعاملات اجتماعی در حوزه عذرخواهی- درخواست- تشکر	+
(۱۰) چه می‌خواهی	خرید- خرید تمیر و ارسال بسته در پست- سفارش غذا در رستوران	چند فعالیت اجتماعی	+
(۱۱) آنها دارند چکار می‌کنند	معرفی- تعریف یک روز کامل فردی- مصاحبه با روزنامه‌نگار خانم- حالات شخصی	تلقیات و حالات فردی	-
(۱۲) برنامه‌ریزی برای آینده	برنامه فردی- سفر در آینده- اسکی فرد سوم- گزارش سفر- وسایل سفر	گزارش‌های فردی و خشک	-
(۱۳) شهر و روستا	پیدا کردن کیف پول- برنامه‌ریزی سفر- مقایسه زندگی شهر و روستا- شهرشناسی	باورهای فردی	-
(۱۴) بیشتر بخوانیم	چند حکایت قدیمی فارسی- چند لطیفه- ایران شناسی	در حد لطیفه	-
تعداد درس: ۱۴		میزان رفتار فرهنگی: ۳۶٪	۵

جدول شماره ۲: بررسی فرهنگ در کتاب درس فارسی

عنوان درس ^۱	محتوا	جنبه فرهنگی آموزش	رفتار فرهنگی
۳-۱) حروف	واژه‌ها	-	-
۴-۸) دستور	جمله / اعداد / شمار / معرفه / نکره / ضمیر اشاره / صفت اشاره	تا حد جملات	-
۹)	فصل‌ها	-	-
۱۰-۱۱)	معرفی-سن-شغل-محل زندگی	تا حدی آشنایی با محتوای فرهنگی	-
۱۲-۱۳)	محل زندگی-نوع خانه-وسیله نقلیه	-	-
۱۴)	درباره خانه	تا حدی	-
۱۵)	فصل-هوا-شهر	-	-
۱۶)	گزارش یک روز-خرید	خرید بدون تعامل	-
۱۷)	خانه-دانشگاه-ماشین	-	-
۱۸)	روز جمعه در خانه	تا حدی گزارش از افراد خانواده	+
۱۹)	اسباب‌کشی به یک خانه جدید	تا حدی	-
۲۰)	گفتگو درباره غذاخوردن و آماده کردن سفره	تعامل خانوادگی	+
۲۱)	دیدار با یک دوست قدیمی در خیابان	-	-
تعداد درس ۲۱		میزان رفتار فرهنگی: ۹٪	۲

^۱ تمامی درس‌ها بدون عنوان هستند. بعد از درس ۲۱ قسمت سوم کتاب به حکایات و داستان‌های قدیمی اختصاص داشته که اگرچه خالی از آموزش فرهنگی نیست اما از نظر این نگارنده فاقد ارزش «رفتار فرهنگی» است.

جدول شماره ۳: مقایسه دو کتاب در میزان آموزش «رفتار» فرهنگی

میزان آموزش	کتاب ۲: درس فارسی	میزان آموزش	کتاب ۱: آموزش مقدماتی زبان فارسی	
ندارد	-	۲۱٪	دیالوگ فقط سلام و احوالپرسی	۱) الگوی رفتاری مقبول جامعه
ندارد	-	ندارد	-	۲) تعامل اجتماعی در یک بافت فرهنگی خاص
۴٪	تعامل در پهن کردن سفره و آوردن غذا	ندارد	-	۳) رفتارهای فردی، گروه‌های کوچک اجتماعی
ندارد	-	۷٪	دیالوگ فقط سفارش غذا در رستوران	۵) چه چیز را کی و کجا انجام دهیم
ندارد	-	ندارد	-	۶) چگونه تعامل کنیم
۴٪	فقط دکتر شفیعی/دکتر باستانی به عنوان اساتید دانشگاه معرفی شده‌اند	۷٪	دیالوگ عذرخواهی/تشکر...	۷) هنجارهای احترام و انواع خطاب‌های رسمی و غیررسمی
ندارد	-	ندارد	-	۸) رفتار سلسله مراتبی

تحلیل توصیفی آموزش فرهنگ در کتاب آموزش مقدماتی زبان فارسی: کتاب پر است از متن‌های گزارش گونه که در آن نفر به ارائه گزارشی خشک، کلیشه‌ای و بی تفاوت نسبت به محیط می‌پردازد. بیش از نیمی از متن‌های کتاب شامل سلام و احوال‌پرسی، معرفی اسم، معرفی شغل، و معرفی ملیت است که در آن‌ها هیچ تعامل واقعی اتفاق نمی‌افتد، هیچ چالشی ایجاد نمی‌شود، هیچ سؤالی پاسخ داده نمی‌شود و هیچ اطلاع اجتماعی انتقال داده نمی‌شود (صص ۴۰، ۶۵). حتی حضور در جامعه، با گزارش‌های سرد و بی‌روح همراه است که در آن فرد در خلاء، سوژه‌ها را می‌بیند و گزارش می‌کند. بازدید از موزه فرش ص ۸۴ کتاب، معرفی عکس و اسم و شغل اعضای خانواده ص ۳۰ و ، خانه شما کجاست ص ۴۳، برنامه روزانه مرضیه و امروز دیروز ص ۷۷، مسافرت ۱۱۲ تنها چند نمونه از این گزارش‌های بدون تعامل است. در واقع هیچ‌یک از موارد استاندارد آموزش فرهنگ به طور جدی در کتاب معرفی نشده، تعامل بین فرزندان و والدین در خانواده، درک مراسم، هنجارشناسی ادب و احترام، معیار در آغوش گرفتن و نظام سلسله‌مراتبی حتی در دانشگاه معرفی نشده‌اند و در نتیجه انتظار هم نمی‌رود با این سطح از آموزش، زبان‌آموز توانش بینا فرهنگی خود را بتواند تقویت کند.

تحلیل توصیفی آموزش فرهنگ در کتاب درس فارسی: در این کتاب حتی دیالوگی در سلام و احوال‌پرسی دیده نمی‌شود. چند مورد از معرفی شغل و محل زندگی و اعضای خانواده و گزارش‌هایی از

خرید و نوع خانه تنها اطلاعاتی است که از متون کتاب قابل استخراج است. در این کتاب نیز هیچ دیالوگ پویا و موقعیت‌محوری که در آن مفاهیم زندگی واقعی را بتوان یافت درج نشده‌است. بخشی از کتاب به متن‌های محیط‌زدایی شده و بخشی به قصه‌های مردمی ساده شده اختصاص یافته‌است و در این میان هیچ تلاشی برای آشنا کردن زبان آموز با مبانی فرهنگی رفتاری زندگی در ایران نشده‌است. در این دو کتاب حتی جای ابتدایی‌ترین ضوابط آداب معاشرت، مانند دست دادن، بوسیدن، بغل کردن، تعریف و تعارف کردن، خطاب کردن، احترام گذاشتن، عذرخواهی کردن خالی است. این کتاب‌ها به مراسم و آیین‌ها نیز توجه نکرده‌اند. هیچ کدام از این دو کتاب به رفتار واقعی برای تعامل در تولید متون نپرداخته‌اند و در نتیجه چنین به نظر می‌رسد که این متون در خلاء و فارغ از آموزش فرهنگ تهیه شده‌اند.

نتیجه‌گیری

اصولاً در امر آموزش فرهنگ و زبان دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد که بیش‌تر آن‌ها معتقدند آموزش زبان بدون فرهنگ نه صحیح است و نه شدنی. یکی از بدفهمی‌های حوزه کتاب آموزش زبان فارسی و یا شاید همه زبان‌ها این باشد که فرهنگ را باید نگه داشت تا سطوح بالاتر زبان‌آموزی، تا زبان‌آموز آمادگی لازم را به دست آورد. به این معنی که کتاب‌های مبتدی یا مقدماتی نیازی به آموزش فرهنگ ندارند! این بدفهمی از اینجا ناشی می‌شود که در نظر همین‌عده، آموزش فرهنگ از زبان قابل جدا شدن است. آن‌چه در این مقاله انجام شد مروری بر یکی از شقوق فرهنگ در آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان، یعنی رفتار بود. این شق از فرهنگ در آموزش اذعان می‌دارد که متن آموزشی باید دوشادوش آموزش زبان حاوی مؤلفه‌های فرهنگی‌ای باشد که در عین حال که زبان‌آموز را با اقتضائات فرهنگی زبان فارسی و جامعه ایرانی آشنا می‌کند، بتواند تصویر بافت محوری از نحوه تعاملات در ایران را به نمایش بگذارد. این تصویر بافت محور اگرچه همه در یک کتاب کامل نمی‌شود، اما تنها شیوه عرضه متون آموزشی در کتاب خواهد بود. به این معنی که دیالوگ‌ها، مونولوگ‌ها و گزارش‌ها در خلاء و بی‌کنش و واکنش روی نمی‌دهند، بلکه برای تولید هر کدام سناریوی اجتماعی تعریف می‌شود که در آن تعامل بین افراد، طبیعی بوده و مبتنی بر چارچوب‌های اجتماعی رفتار زبانوران بومی است.

فرهنگ رفتاری در کنار فرهنگ تولیدی و چشم‌اندازی کلیت جامع فرهنگ را در زبان مقصد پوشش می‌دهد که از این میان، فرهنگ رفتاری به طور خاص در دو کتاب آموزش مقدماتی زبان فارسی و درس فارسی مورد بررسی قرار گرفت. این دو کتاب مانند بسیاری از کتاب‌های آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان به گونه‌ای بر آموزش بافت‌زدایی شده زبان متمرکز شده‌اند که گویی زبان‌آموز بدون بافت زبانی می‌تواند به درک درستی از تعامل زبانی برسد. از آنجا که بافت به معنای فضای اجتماعی تولید زبان است و این خود در بستر فرهنگ روی می‌دهد، بنابراین آشنایی با نحوه تعامل و رفتار فرهنگی از ضروریات مفاد کتاب آموزشی است. این دو کتاب با تولید متون خشک، تکراری، غیرزنده و بافت‌زدایی شده، هیچ توفیقی در تقویت توانش بینا فرهنگی زبان‌آموز نداشتند و قطعاً این دروس صرفاً زبانی نمی‌تواند متن مناسب آموزش زبان تلقی شود. از این رو به نظر می‌رسد لازم است پیش از نگارش،

حین نگارش و پس از نگارش، ارزیابی دقیقی از میزان آموزش مواد فرهنگی در کتاب‌های آموزش زبان فارسی انجام شود. موادی که قرار است زبان‌آموز را با شیوه زندگی در ایران، برخورد و تعامل تقریباً واقعی با افراد و نحوه انتظار بازخورد رفتاری آشنا کند و توانش بینا فرهنگی زبان‌آموزان را تقویت کند، باید با آموزش فرهنگی مناسب عجین شده باشد.

منابع

۱. ابوالحسنی، زهرا و موسی نوشی کوچکسرایبی (۱۳۹۵) «ارزیابی گفتمان فرهنگی در کتاب آموزش زبان فارسی: پیشنهاد انگاره چندصدایی» واکاوی منابع آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان. نویسه.
2. Adaskou, K., Britten, D., & Fahsi, B. (1990). Design Decisions on the cultural content of a course for Morocco. *ELT Journal* 44 (1),3-10.
3. Aliakbari, M. (2004). The Place Of Culture In The Iranian ELT Textbooks In High School Level. *The 9th Pan Pacific Association of Applied Linguistics conference*. Namseoul University, Korea .
4. Bateman, B., & Mattos, M. (2006). An analysis of the cultural content of six Portuguese textbooks. *Portuguese Language Journal*.
5. Berardo, S. (2006). The Use of Authentic Materials in the Teaching of Reading. *The ReadingMatrix*. 6(2).
6. Bird, M. Susy (2014) “Products, Practices, and Perspectives in the World Language Classroom: A Unit on Mexican Food for a High School Spanish 1 Class”, *BYU Scholarshives*.
7. Byram, M. (1991). Teaching culture and language: Towards an integrated method. In D. Buttjes & M. Byram (Eds.), *Mediating languages and cultures: Towards an intercultural theory of foreign language education* (pp. 17-32). Clevedon, England: Multilingual Matters.
8. Byram, M. (1997). Teaching and Assessing Intercultural Communicative Competence. *levedon: Multilingual Matters*.
9. Byram, M., & Feng, A. (2005). Teaching and researching intercultural competence. In E. Hinkel (Ed.), *Handbook of research in second language teaching and learning* (pp. 911-930). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates Publishers.
10. Celik, S. & Erbay, S. (2013) Cultural Perspectives of Turkish ELT Coursebooks: Do Standardized Teaching Texts Incorporate Intercultural Features? *Egitim ve Bilim*. Vol. 38, No 167.
11. Cortazzi, M., & Jin, L. (1999). Cultural mirrors: Materials and methods in the EFL classroom. In
12. E. Hinkel (Ed.) *Culture in second language teaching and learning* (pp. 196-219). Cambridge, England: Cambridge University Press.
13. Hammerly, H. (1987). The immersion approach. *The Modern Language Journal*, 71, 395-401.
14. Harmer, J. (1991). *The Practice of English Language Teaching*. London and New York: Longman. (New Edition)
15. Hasan, A. S., & Raddatz, V. (2008). Analysis of EFL elementary textbooks in Syria and Germany: Cognitive, affective and procedural aspects in their intercultural context. *Journal of InterculturalCommunication*, 17.
16. Houghton, S. (2009). The role of intercultural communicative competence in the development of world Englishes and lingua francas. *3L: The Southeast Asian Journal of English Language Studies*, 15, 69-95.

17. Kramsch, C. (1993). Context and culture in language teaching. Oxford: OUP.
18. Kramsch, C. (1996). The Cultural Component of Language Teaching. *Zeitschrift für Interkulturellen Fremdsprachenunterricht*, 1(2), 13 pp.
19. Lange, K., (2011): *Perspectives on Intercultural Competence. A textbook Analysis and Empirical Study*, Master's thesis, Freie University Berlin.
20. Mantle-Bromley, C. (1992). Preparing students for meaningful culture learning. *Foreign Language Annals*, 25, 117-127.
21. Matsumoto, D. (1996) *Culture and Psychology*. Pacific Grove, CA: Brooks/Cole.
22. Meyer, M. (1991). Developing transcultural competence: Case studies of advanced foreign language learners. In D. Buttjes & M. Byram (Eds.), *Mediating languages and cultures: Towards an intercultural theory of foreign language education* (pp. 136-158). Clevedon, England: Multilingual Matters.
23. National Standards in Foreign Language Learning Project. (2006). *Standards for foreign language learning in the 21st century*. Lawrence, KS: Allen Press.
24. Oguro, Y. (2008). Presentation of Culture in English as a Foreign Language (EFL) Reading Textbooks in Japan. Virginia Polytechnic Institute and State University. PhD thesis.
25. Page, D. and Benander, R. (2016) Cultural Products and Practices Leading to Cultural Perspectives: Practical Applications, *The Journal for Research and Practice in College Teaching* 2016, Volume 1, Number 1.
26. Risager, K. (1991). Cultural references in European textbooks: an evaluation of recent tendencies. In D. Buttjes & M. Byram (Eds.), *Mediating languages and cultures: Towards an intercultural theory of foreign language education* (pp. 181-192). Clevedon, England: Multilingual Matters.
27. Roshdi El Shawa, N (2011). Evaluating the cultural content of English Palestine secondary stage textbooks in the light of International trends. MA thesis, University of Gaza.
28. Santos, D. (2007). Reconceptualizing textbooks in culture teaching. *The Free Library*. (2007).
29. Savignon, S. & Sysoyev, P. V. (2002). Sociocultural strategies for a dialogue of cultures. *The Modern Language Journal*, 86, 510-524.
30. Sowden, C. (2012). ELF on a mushroom: The overnight growth in English as a Lingua Franca. *ELT Journal*, 66(1), 89-96. doi:10.1093/elt/ccr024.
31. Street. B. V. (1993). Culture is a Verb: Anthropological aspects of language and cultural process. In David Graddol, Linda Thompson, Mike Byram. *Language and Culture*. Clevedon.
32. Taylor, J. S., & Bateman, B. (2011). *Fundamentals of language teaching: What Every Spanish Teacher Needs to Know*. Available online at Lulu.com.
33. Tomlinson, B. (Ed.). (2008). *English language learning materials: A critical review*. New York, NY: Continuum International Publishing Group.
34. Williams, R. (1983). *Keywords: A vocabulary of culture and society* (revised edition). London: Fontana Press.
35. Young, D. J. (1999). The standards definition of culture and culture instruction in beginning and intermediate Spanish textbooks. *Northeast Conference Review*, 45, 17-22.
36. Yuen, K.-M. (2011). The representation of foreign cultures in English textbooks. *ELT Journal*, 65(4), 458-466. doi:10.1093/elt/ccq089.



Cultural Practices in Persian as a Foreign Language Textbooks: Applying a Review Method

Zahra Abolhassani Chimeh¹

Associate Professor of Linguistics Department, Member of the
Organization for Researching and Composing University
Textbooks in Humanities (SAMT), Tehran, Iran.

This paper introduces and implements one of the approaches to cultural evaluation of textbooks for teaching language, particularly Persian as a foreign language. In the method, culture is described in 3 parts of products, practices and perspectives, all of which are essential and needed for standardizing the language teaching textbooks. This research along with introducing a 3P culture, investigates practice in 2 textbooks of teaching Persian as a foreign language. Using content analysis all the sentences were analyzed to find out if the cultural practice was considered in the books. It was found out that none of the Persian language basic training and Persian Lessons have the cultural standards in practice. In fact none taught patterns of behavior accepted by society, social interactions, individual practice, customs, social hierarchy and social norms. As a result none of the two books could teach practice and strengthens the intercultural competence of language learner. This makes the cultural evaluation of language books as a must.

Keywords: Teaching Culture, Teaching Persian as a Foreign Language Textbook Practices, Products, Perspectives, Intercultural Competence.

¹ E-mail: zabolhassani@hotmail.com.